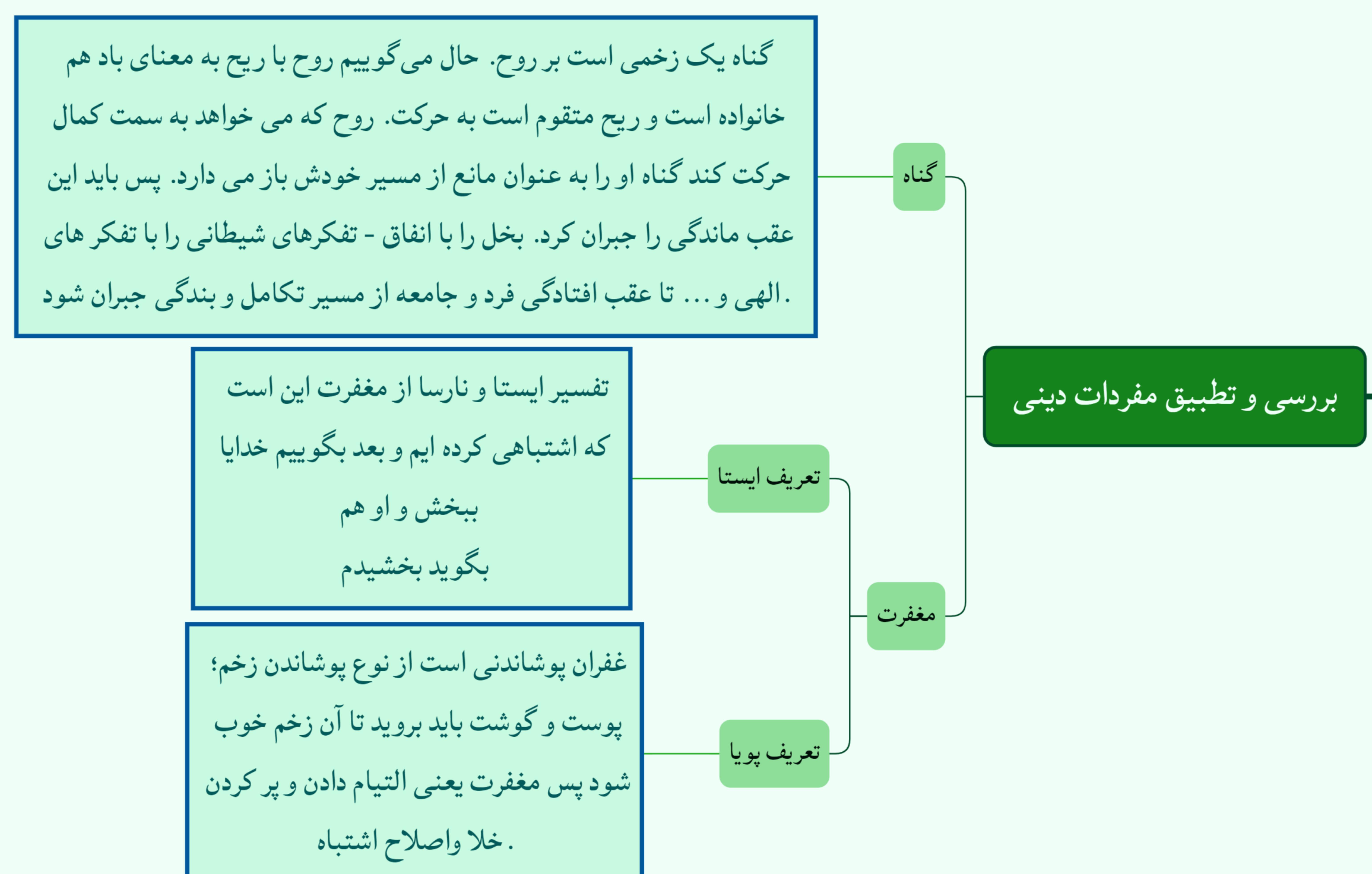
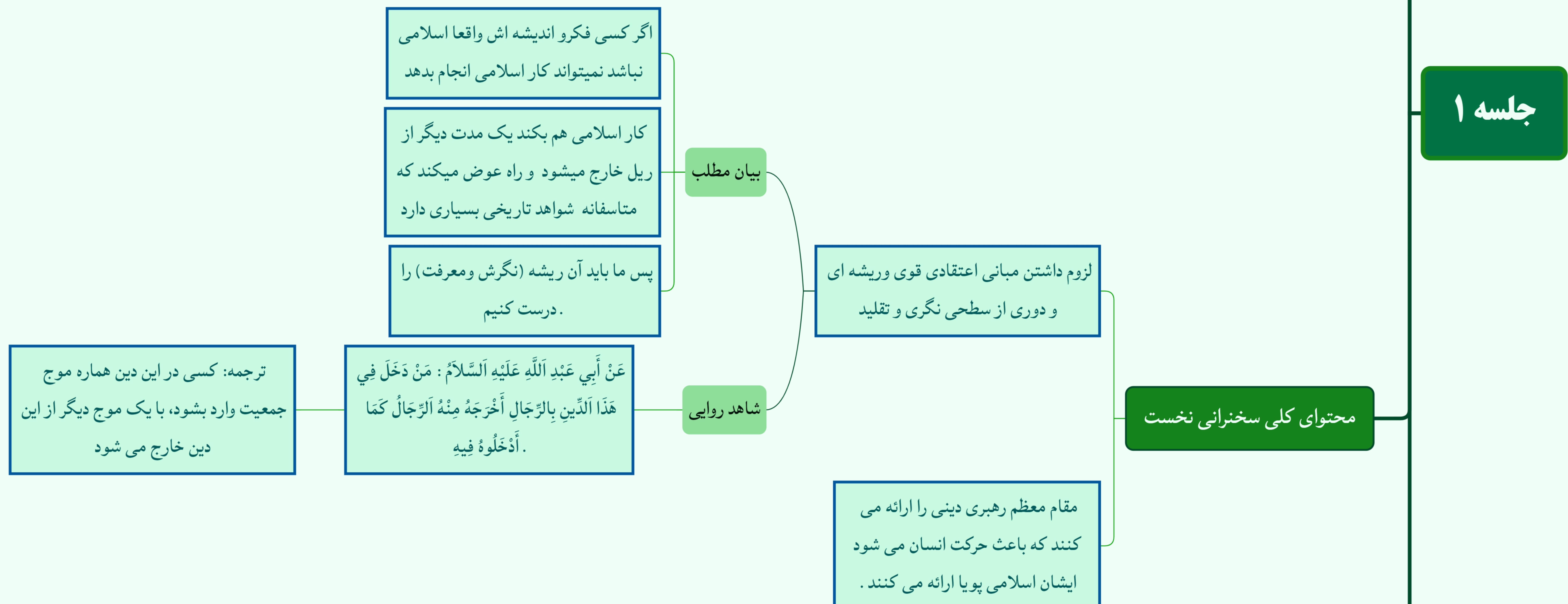
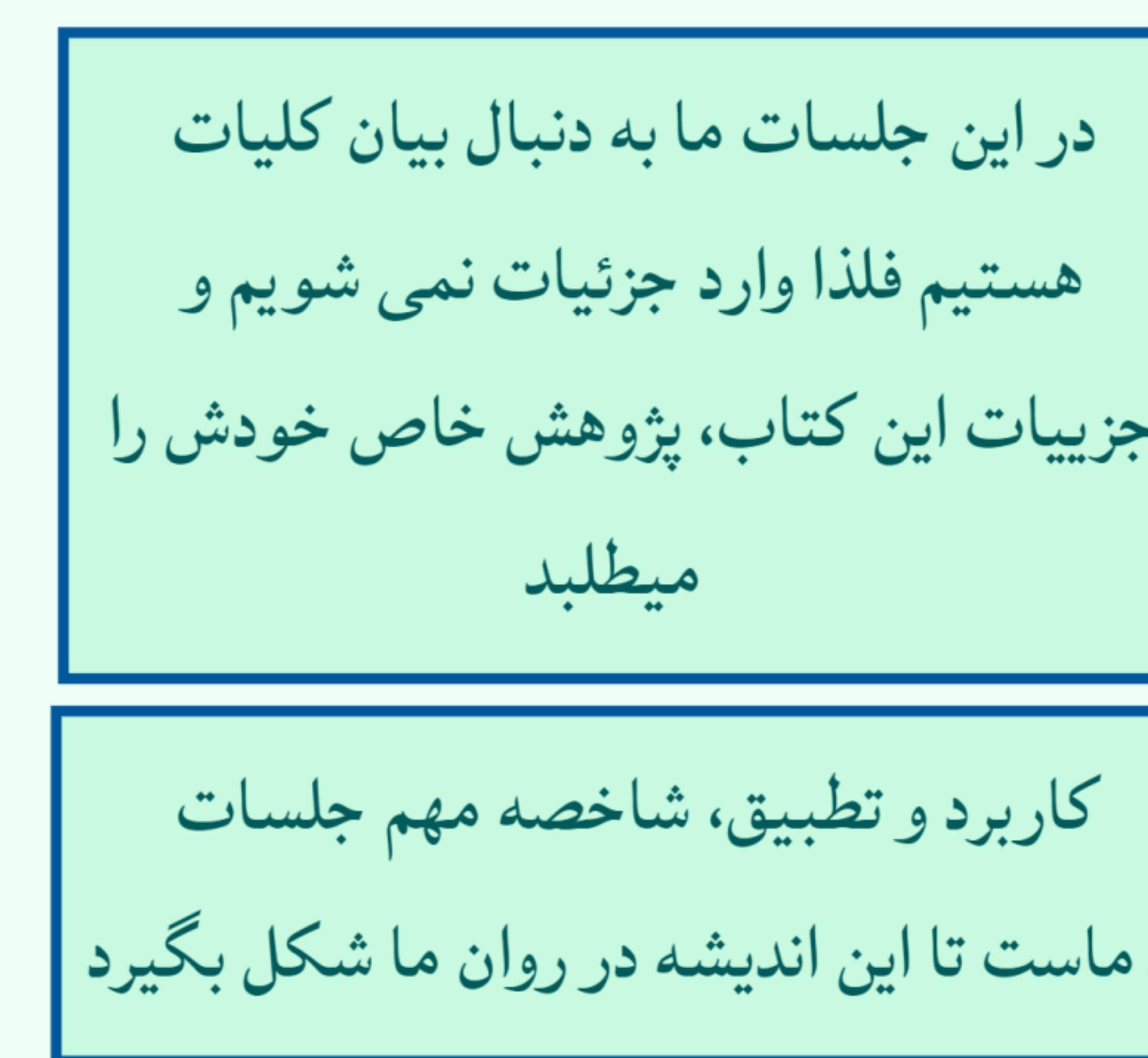
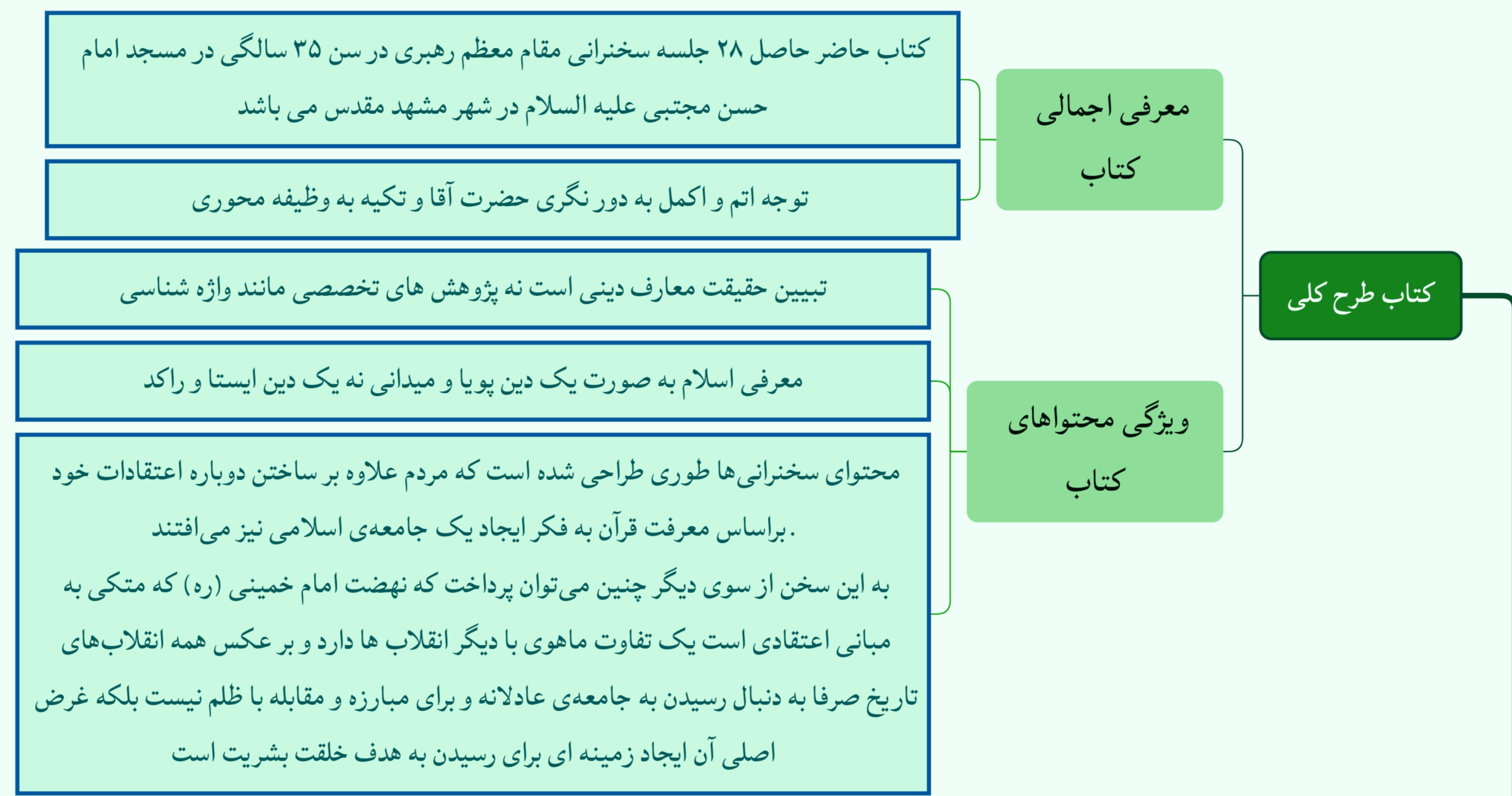
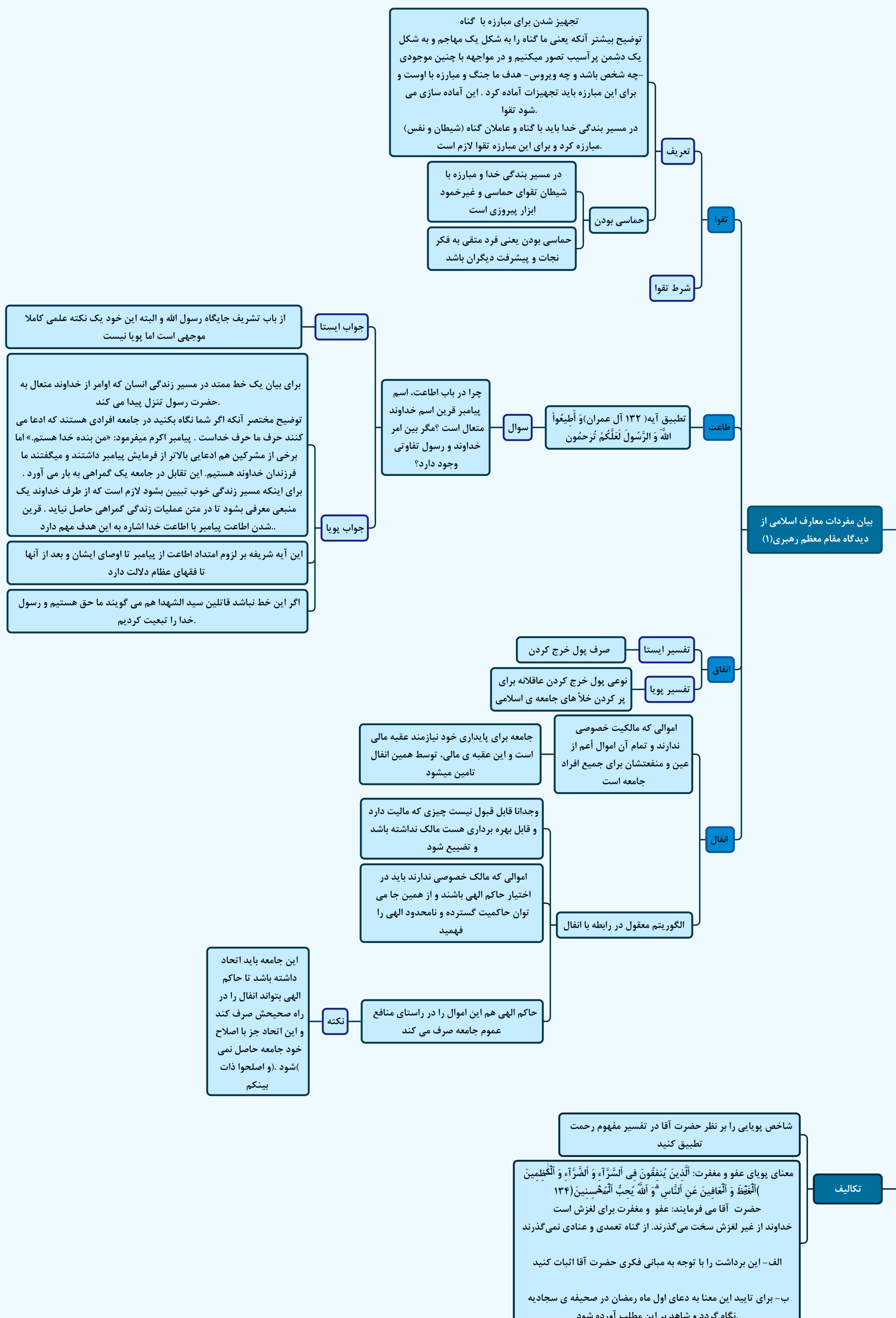
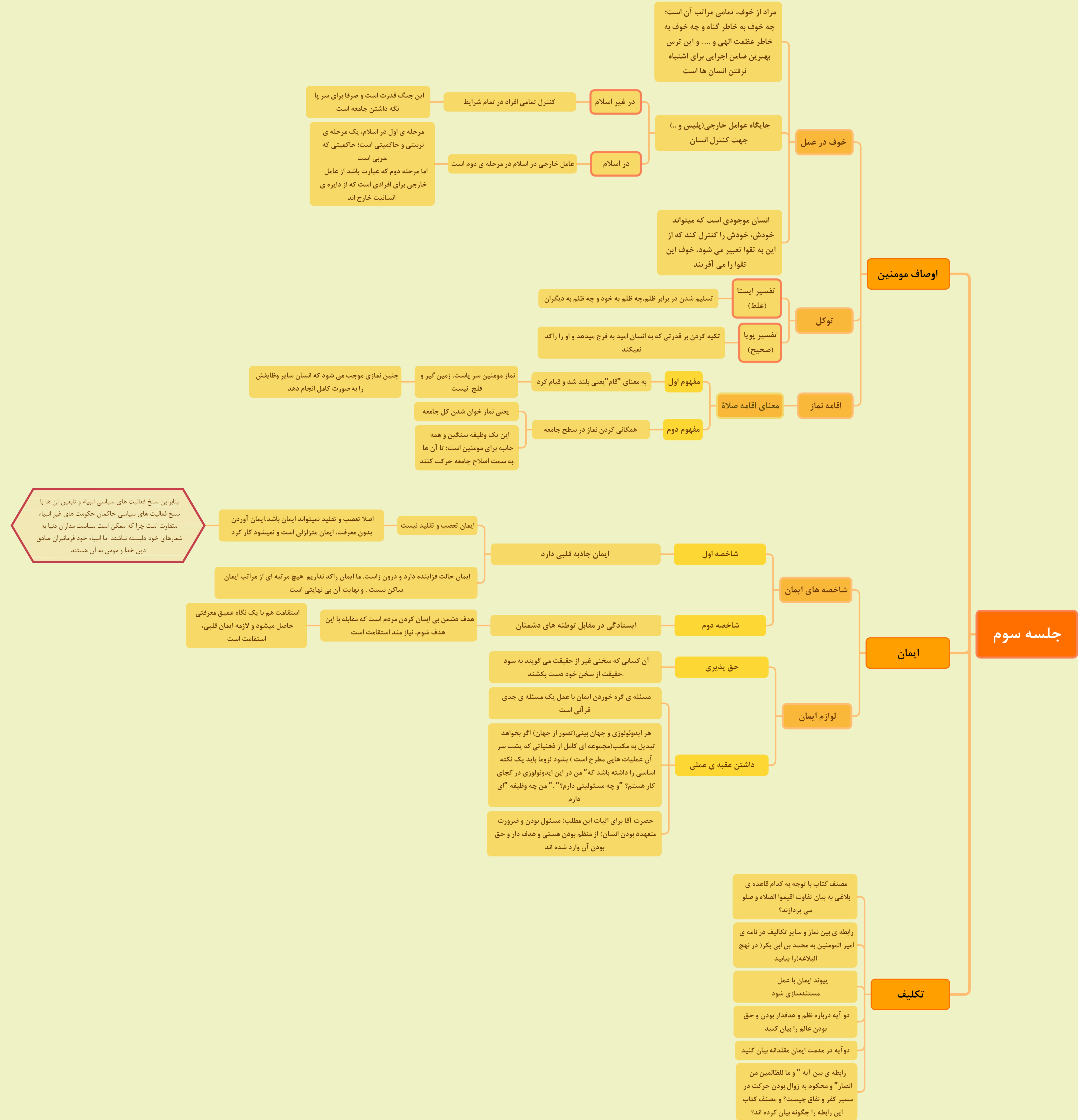


e.k.71	2
e.k.72	3
e.k.73	4
e.k.74	5
e.k.75	6
e.k.76	7
e.k.78	8
e.k.79	9
e.k.80	10
e.k.81&82	11
e.k.84	12
e.k.85	13
e.k.86	14
e.k.87	15
e.k.88	16
e.k.89	17
e.k.90	18
e.k.91	19
e.k.92	20
e.k.93	21
e.k.94	22
e.k.95	23
e.k.96	24
e.k.97	25
e.k.98	26







طرح کلی اندیشه اسلامی

ایمان

ایمان اصل و ریشه و سر آغاز اندیشه
اسلامی است

برخی فکر میکنند که ایمان و عمل
چیزی جدای از هم هستند. و اگر ایمان
داشته باشیم تمام است
مسئله ای القای فکر جایی دین از
سیاست نیز از در همین راستا است

شاخص ایمان

هر ایدئولوژی و جهان بینی اگر بخواهد به یک
مکتب تبدیل شود باید به این نقطه اساسی برسد
که "وظیفه و مسئولیت من در این جهان بینی
چیست؟" اگر این سوال مطرح نشود این
ایدئولوژی در ذهن می ماند و تبدیل به مکتب نمی
شود

حکما بر خلاف عرفا به دلیل نپرداختن به این سوال
نتوانستند بین مردم جریان اجتماعی بیافرینند

تصویری که برخی از مردم نسبت به اسلام دارند
خالی از این نقطه ای اساسی است و به همین
جهت، اسلام را از حل مشکلات مردم ناتوان می
دانند و به دنبال این مطلب افکار غربی، مجال فتح
کردن اذهان مردم را پیدا می کنند

یک اندیشه و ایدئولوژی (اعم از
اسلامی و غیر اسلامی) چگونه می
تواند به یک مکتب تبدیل شود؟

آیه ۶۱ سوره مبارکه بقره
وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُو بَغْضَبٍ مَّنْ أَنَّ اللَّهَ ذُلِّكَ
بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِإِيمَانِ اللَّهِ وَيَقْتَلُونَ الَّذِي نَّبَيَّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ
ذُلِّكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

سرانجام دنیاگی

در برخی از تاریخ مسئولیت هدایت بشر و رساندن آن ها به
کمال بر عهده ای بنی اسرائیل بوده است ولی به دلیل عدم
مسئولیت پذیری و تخلف از فرامین حضرت موسی، این
مسئولیت از آن ها گرفته می شود

نمونه ای تاریخی: بنی اسرائیل

جهنمی شدن

سرانجام آخرتی

در زمان بنی امیه فرقه ای بوده که اندیشه ای
اکتفا به ایمان و عدم لزوم عمل را ترویج می
کرده، نام این فرقه چیست؟

دو روایت در مورد رابطه ای ایمان و عمل نوشته شود

تکلیف

معنای هجرت را طوری که متناسب با ایمان عمل
گرایانه باشد نه ایمان منفعانه تبیین کنید

جلسه ۷

آثار ایمان

مدخل

مجموع آثار ایمان، سازنده یک زندگی سعادتمندانه در دنیا و آنرا از دنیا بیرون نمی کند

اگر راه رسیدن به زندگی سعادتمندانه غیر از ایمان بود
انسان به طور فطری خواستار آن می شد
در بیان قرآن نیز رسیدن به چنین زندگی ای ایمان (آگاهانه و متعهدانه) است

انسان به طور فطری خواستار ایمان است

هدایت

در هدایت حرکت وجود دارد لذا ایمان ایستاده را که قابل تصور نیست

هدایتگری در جایی معنا دارد که حرکت وجود داشته باشد بنابراین برای شخصی که ایستاده است هدایتگری معنا ندارد

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّلِحَاتِ يَهُدِيهِمُ رَبُّهُمْ يَأْتِيهِمْ تَحْرِيَ مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنَهَرُ فِي جَنَّتٍ
الْتَّعْيِمُ (۹) سوره مبارکه یونس

چراغ خودرو مسافت محدودی را روشن می کند اما با حرکت خودرو محدوده های بعدی نیز قابل مشاهده خواهد بود

مثال:

دو اثر هدایت و فزایندگی ایمان در یک مسیر گام به گام قابل تصور است به این صورت که هدایت، گام بعدی را نشان می دهد و در صورت حرکت سایر گام های نیز به ترتیب آشکار می گردد بنابراین در ابتدای راه مشاهده ای مقصد نهایی ضرورت ندارد

آثار ایمان

بیان آثار

منظور امنیت روحی و روانی است

بیخیالی

معنای غلط

امن

احساس آرامش با جاذبه ای ایمانی در میدان حرکت و فعالیت

در اینجا اطمینان با توجه به شرایط، معنا می شود و همین باعث در جازدن و ایستایی می گردد، مثلا از آنجایی که فرد به پیروزی خود در میدان جنگ اطمینان دارد، به دنبال شرایط مطلوب است و از فعالیت و رصد دشمن غافل می ماند.

اما در اینجا اطمینان با توجه به شرایط، معنا نمی شود بلکه اطمینان تنها به هدف و تایید الهی است چرا که ممکن است اطمینان در یک شرایط نامطلوب و استرس زا باشد به عنوان نمونه آیه "أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَةً" زمانی نازل شد که پیامبر در یک شرایط پر اضطراب و پرتنشی بودند و به حسب ظاهر در نکته ای ضعف قرار داشت

اطمینان

تفسیر ایستاده (غلط)

تفسیر پویا (صحیح)

نکته

شرک، روح انسان را متلاطم می کند و اساسا متمرکز نبودن به مبدأ واحد خلاف سکینه است

آرامش و سکینه در توحید است

دو اثر دیگر از آثار ایمان را که در قرآن ذکر شده بیان کنید

تفسیر غلط و صحیح آن ها را نیز بنویسید

ارتباط آن دو اثر را با دو شاخصه ایمان مطلوب یعنی (الف) از روی معرفت بودن و (ب) تعهد آور بودن تبیین نمایید



جلسه یازدهم



جلسه 12 و 13

توحید

جلوه گری توحید در همه‌ی ابعاد زندگی وجود دارد چراکه توحید در همه‌ی احکام اسلام است به این صورت که فقه تمام افعال بشر را و اخلاقیات تمام خلقيات خوب او را اعتقادات تمام عقاید را پوشش می‌دهد

قرآن با چنین نگاهی همچون منتشر لازم الاجرایی است که شامل بند‌های متعدد و ناظر به عمل هست

با اجرا شدن چند مورد از احکام و قواعد اسلامی نمی‌توان گفت که یک جامعه‌ی توحیدی شکل گرفته است بلکه انچه که جامعه را اسلامی می‌کند حاکم شدن نظام اسلامی است

در زندگی خانواده نیز همین گونه است که با اجرای شدن برخی از احکام الهی خانواده توحیدی نمی‌شود بلکه باید چارچوب و ساختار آن اسلامی شود

مادامی که ولایت به معنای صحیحش نباشد؛ نماز، اجرای حد و قصاص و... اسلام نمی‌آورد

شیطان به هر عاملی گفته می‌شود که خارج از وجود انسان است و در راه (بندگی) او اخلال ایجاد می‌کند

عبادت یعنی طاعت؛ به بیان دقیق تر طاعت یعنی طاعت ای از عبادت است

روح توحید همان ولایت است

عبادت خداوند در مقابل عبادت شیطان

اولاً اینکه "سینه" داخل دین بخشیده می‌شود. "سینه" هست اما داخل دین است. آن یکی هم "حسنه" هست اما "حسنه" داخل غیر دین است

حضرت صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام (این جمله را) زیاد در خطبه‌اش می‌فرمود: ای مردم دین خود را نگهدارید، دین خود را نگهدارید، زیرا گناه در آن بهتر از حسن در غیر آن است، گناه در آن آمرزیده شود و حسن در غیر آن پذیرفته نشود

مراد از این عبارت چیست "سینه" داخل دین بخشیده می‌شود و "حسنه" در غیر آن قبول نمی‌شود؟
چرا حضرت فرمود "والسینه" و فرمود "فالسینه"؟

ترجمه

دو موضوع پژوهشی

روایت: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: حضرت علی علیه السلام کانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ الْسَّلَامُ كَثِيرًا مَا يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ (ماضی استمراری است) يعني این فکر حکومت علوی بوده است (یا آیه‌ای انسان) (مردم). نفرمود یا به ایها المونون. همه (وینکم دینکم) (اغراق است. بچسید به دینکم) فَإِنَّ السَّيِّئَةَ يَهُوَ حَيْرٌ مِّنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ (گناه داخل نظام دین شما از حسن در غیر نظام دینی بهتر است) وَالسَّيِّئَةُ فِيهِ تُغَفَّرُ وَالْحَسَنَةُ فِي عَيْنِهِ لَا تُقْبَلُ (گناه داخل دینتون بخشیده می‌شود اما حسن خارج از دین قبول نمی‌شود)

معصیت در حکومت توحیدی

روایت

امام باقر علیه السلام: خدای تبارک و تعالی فرموده است: هر آینه عذاب می‌کنم هر رعیتی را که در اسلام با پیروی از امام ستمگری که از جانب خدا نیست دینداری کند، اگرچه آن رعیت نسبت باعمال خود نیکوکار و پرهیزگار باشد و هر آینه در میگذرم از هر رعیتی که در اسلام با پیروی از امام عادل از جانب خدا دینداری کند، اگرچه آن رعیت نسبت بخود ظالم و بدکردار باشد

ترجمه

قال باقر علیه اسلام: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِأُعْذِنَنَ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ ذَانَتْ بِوْلَاهِيَّةَ كُلَّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَّيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ الْرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَ لَأَعْقُونَنَ عَنْ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ ذَانَتْ بِوْلَاهِيَّةَ كُلَّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ الْرَّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُّسِيَّةً»

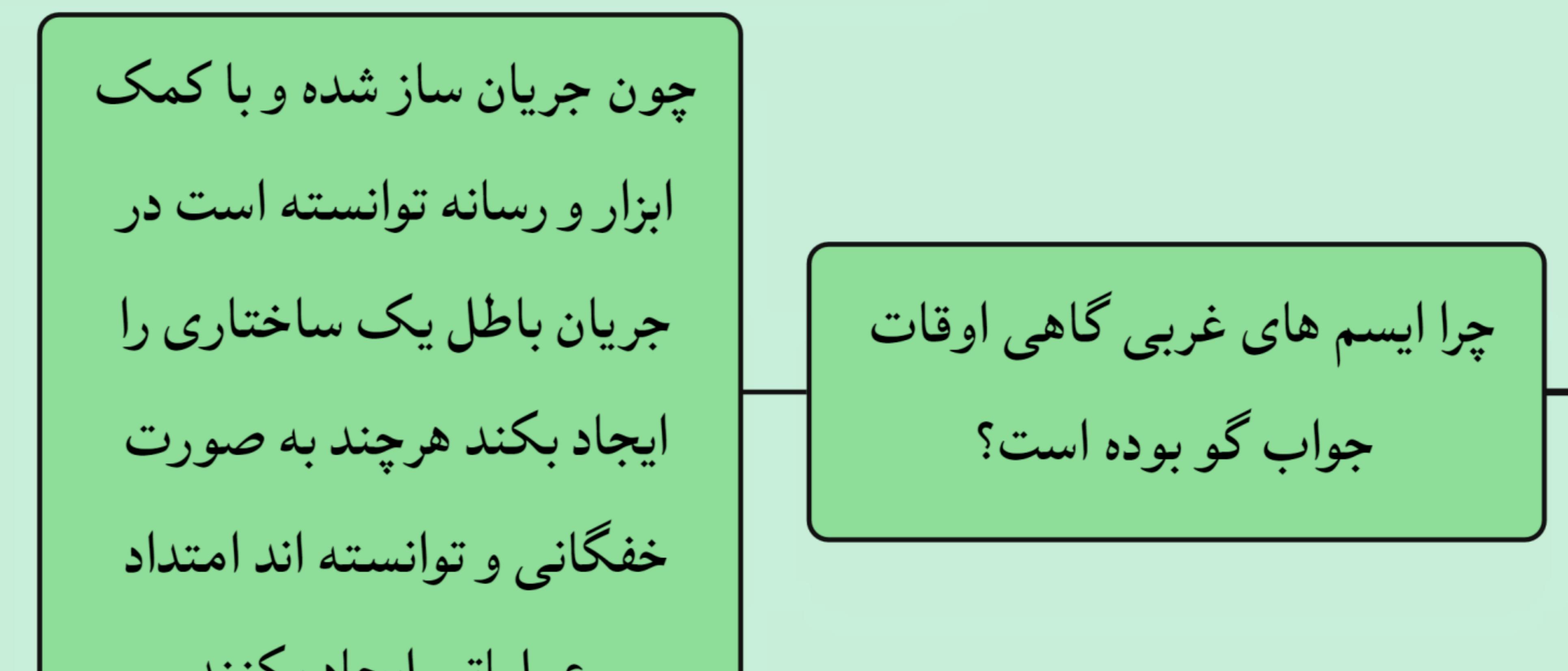
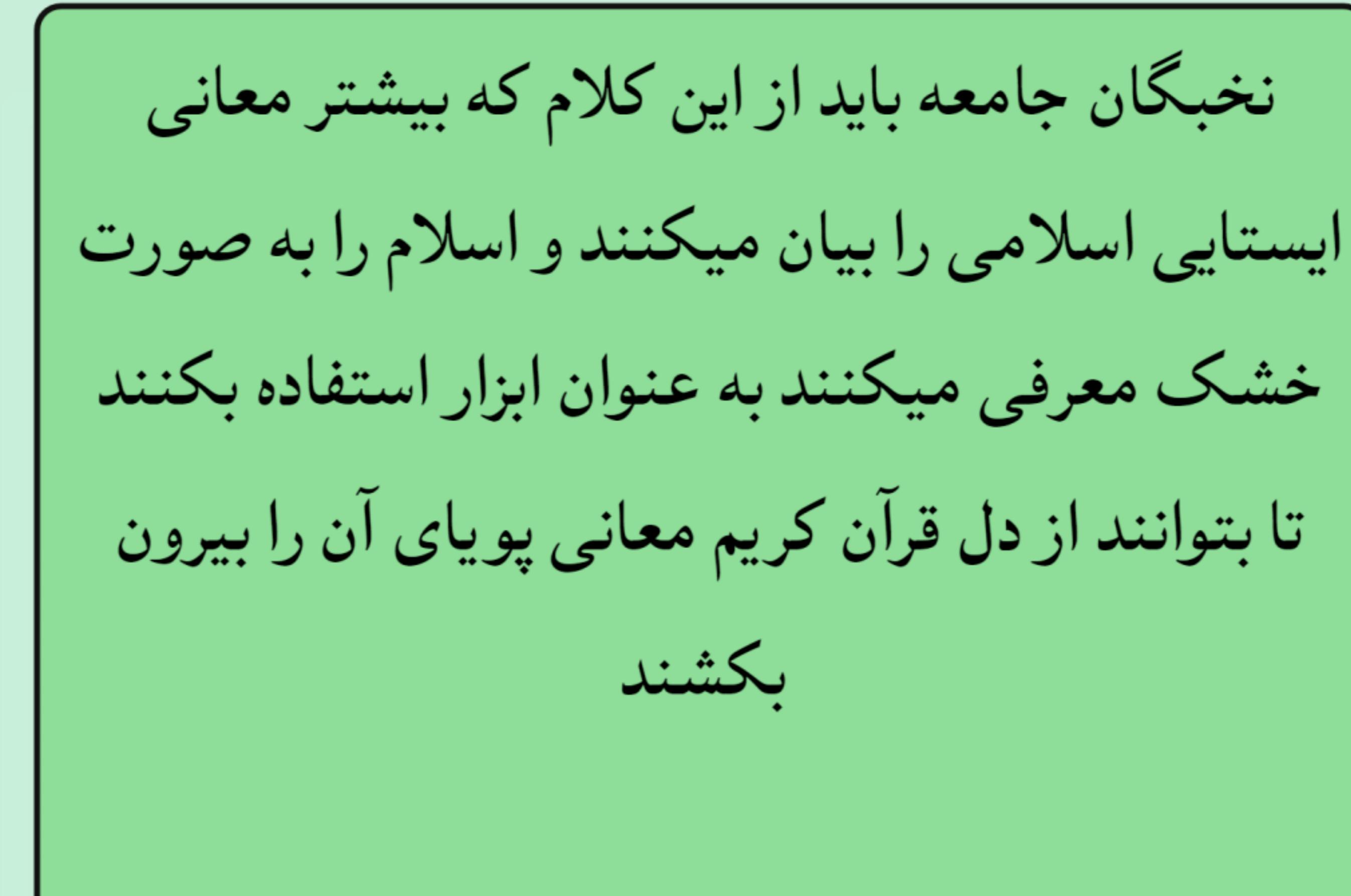
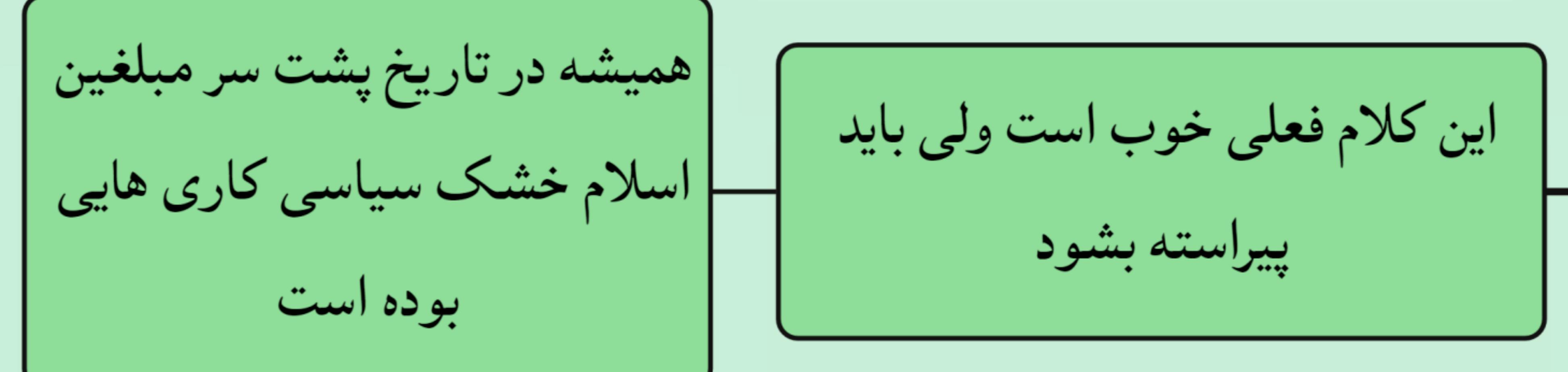
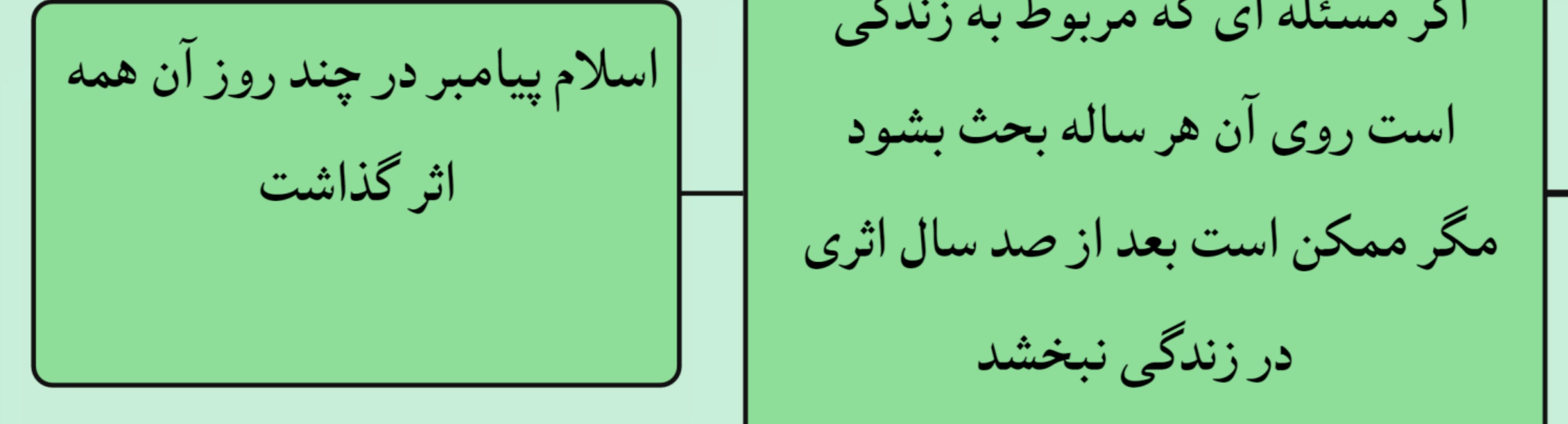
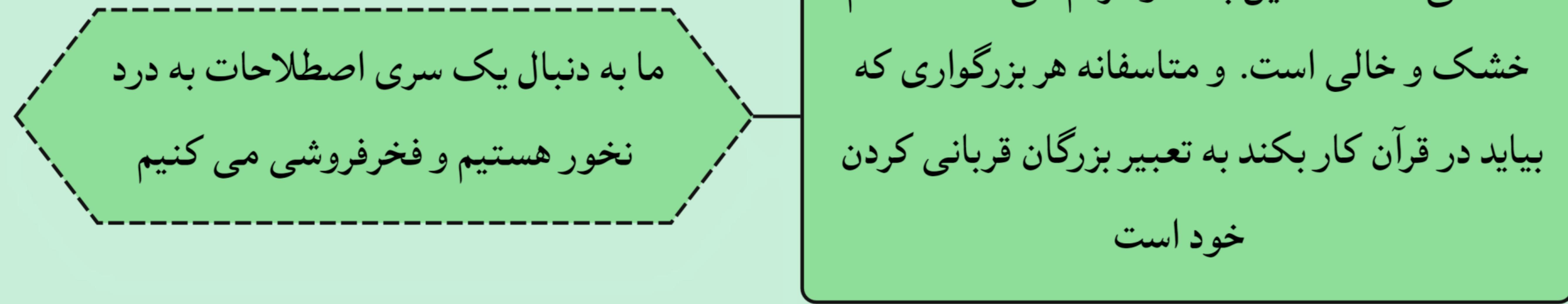
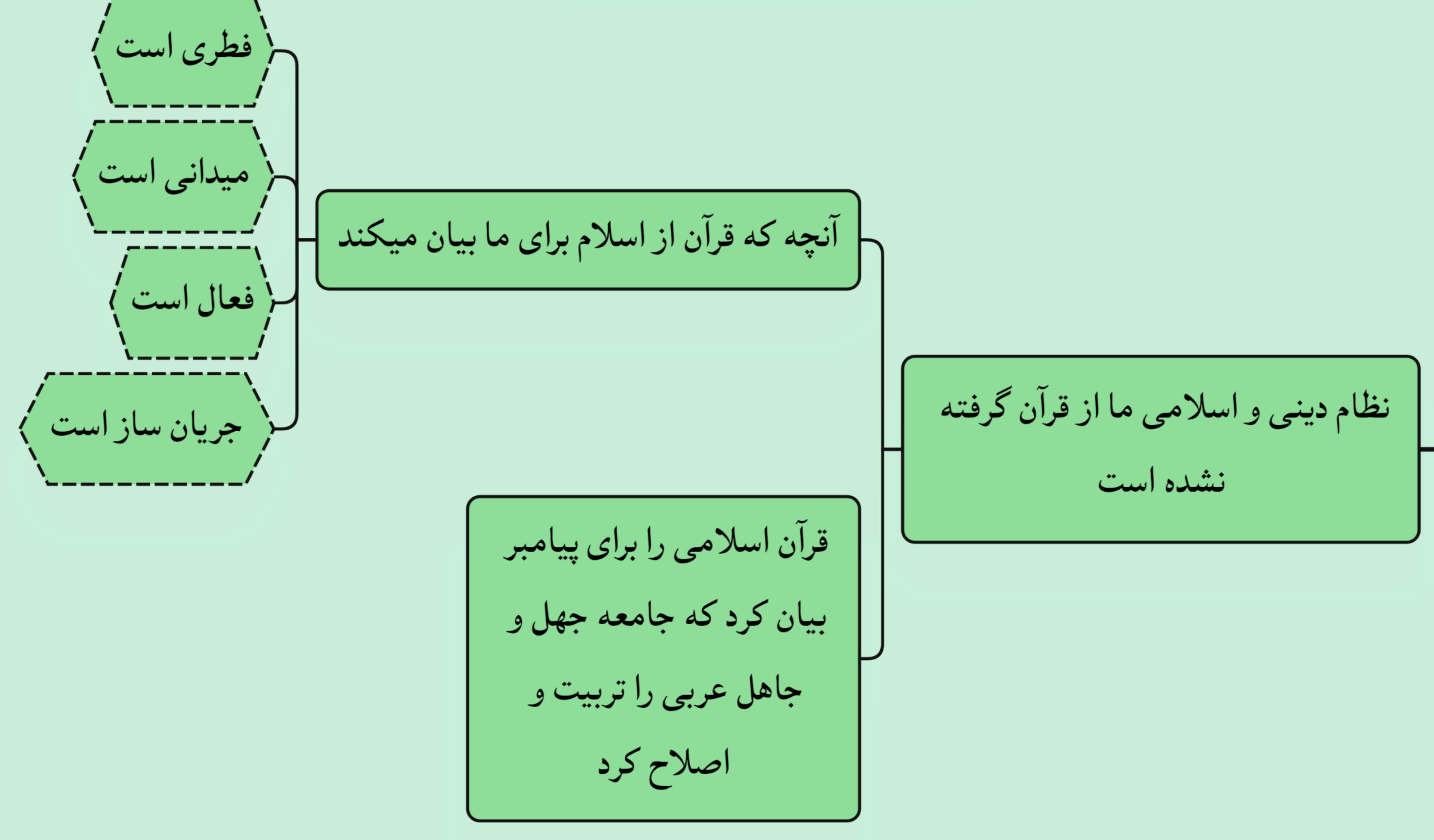
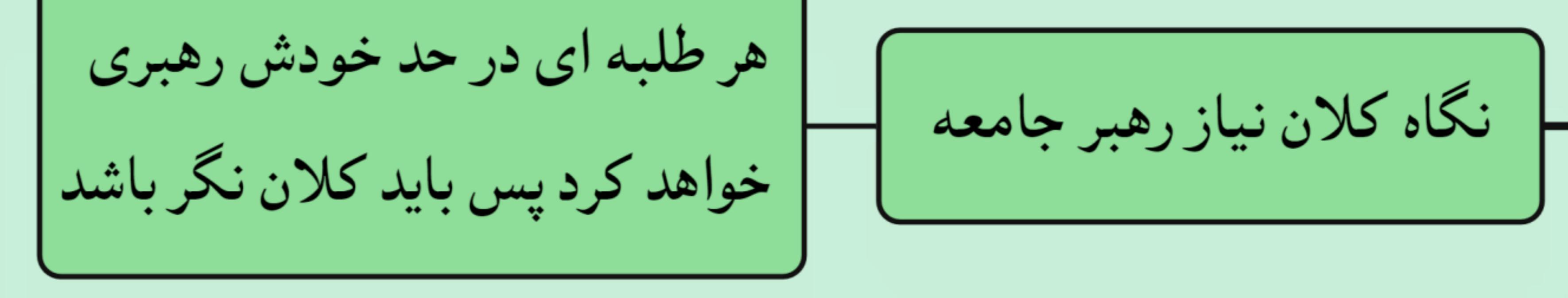
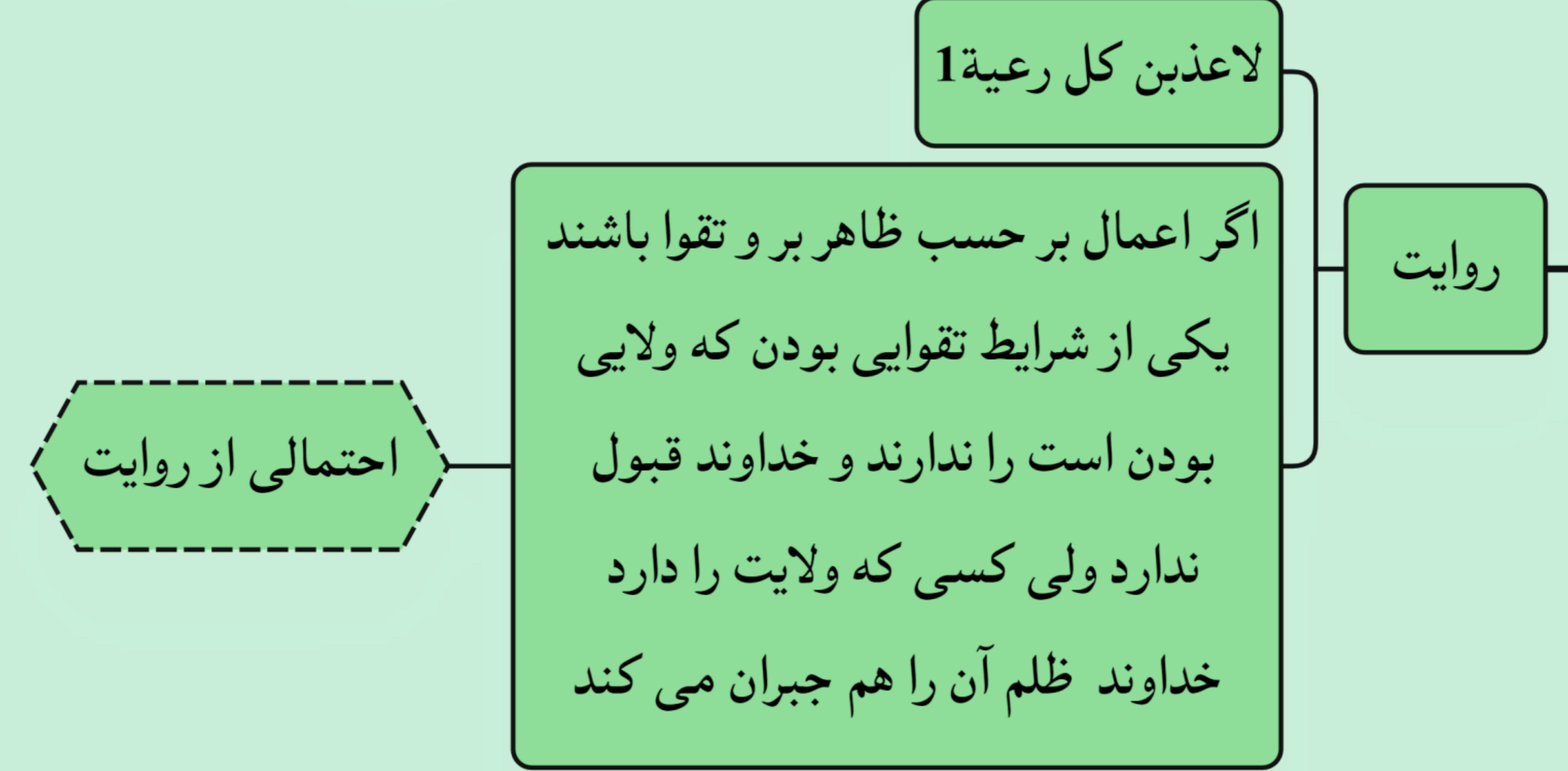
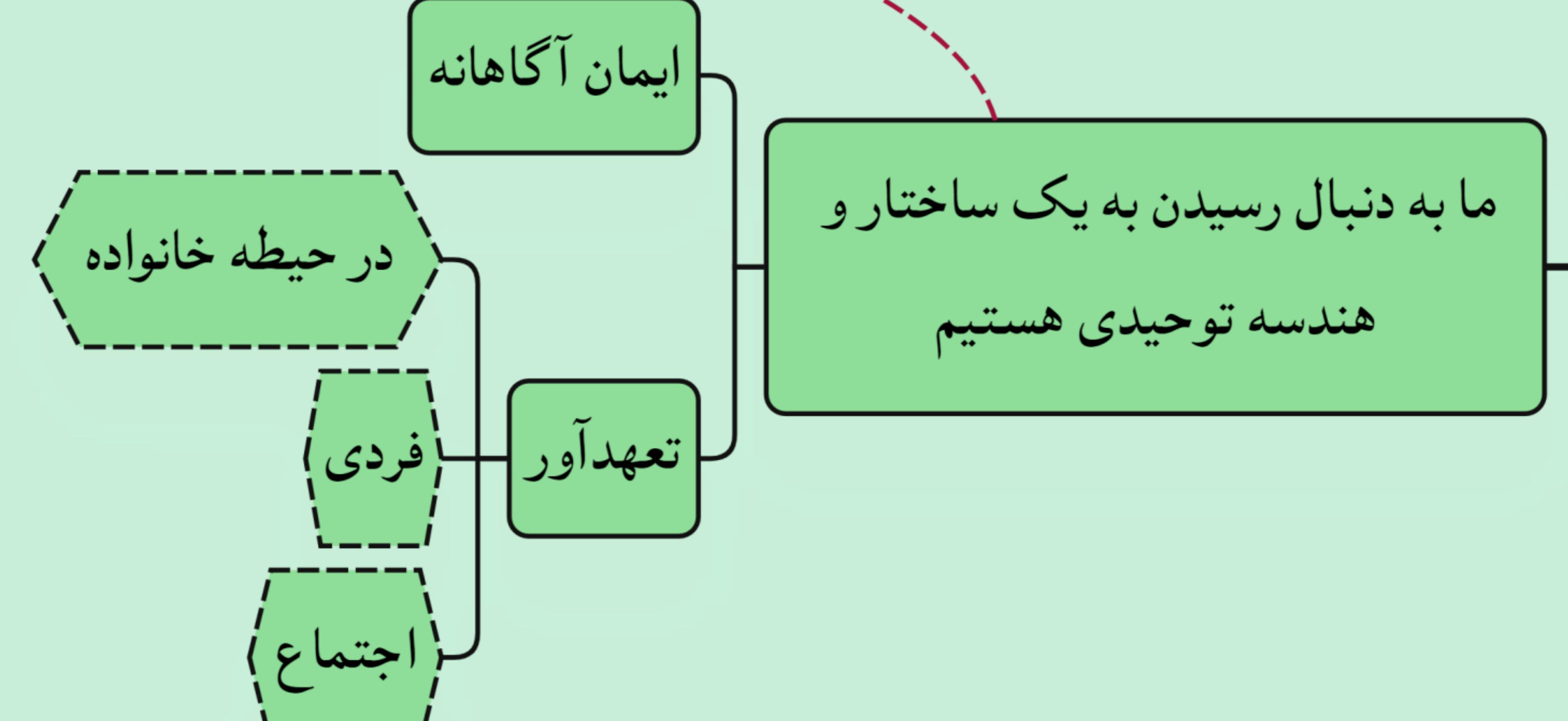
با توجه به آیه آلمَ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ تَبَيَّنَـ ءَادَمَ أَنَّ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَنَ إِنَّهُ لَكُمْ عَذُوٌ مُّبِينٌ (۶۰) یعنی. منظور از عدم پرسش شیطان چیست؟

با مراجعه به کتاب قرآن در اسلام، علامه طباطبائی (ره) توضیح دهد، این تعریف از شیطان چگونه به دست می‌آید؟

تکلیف

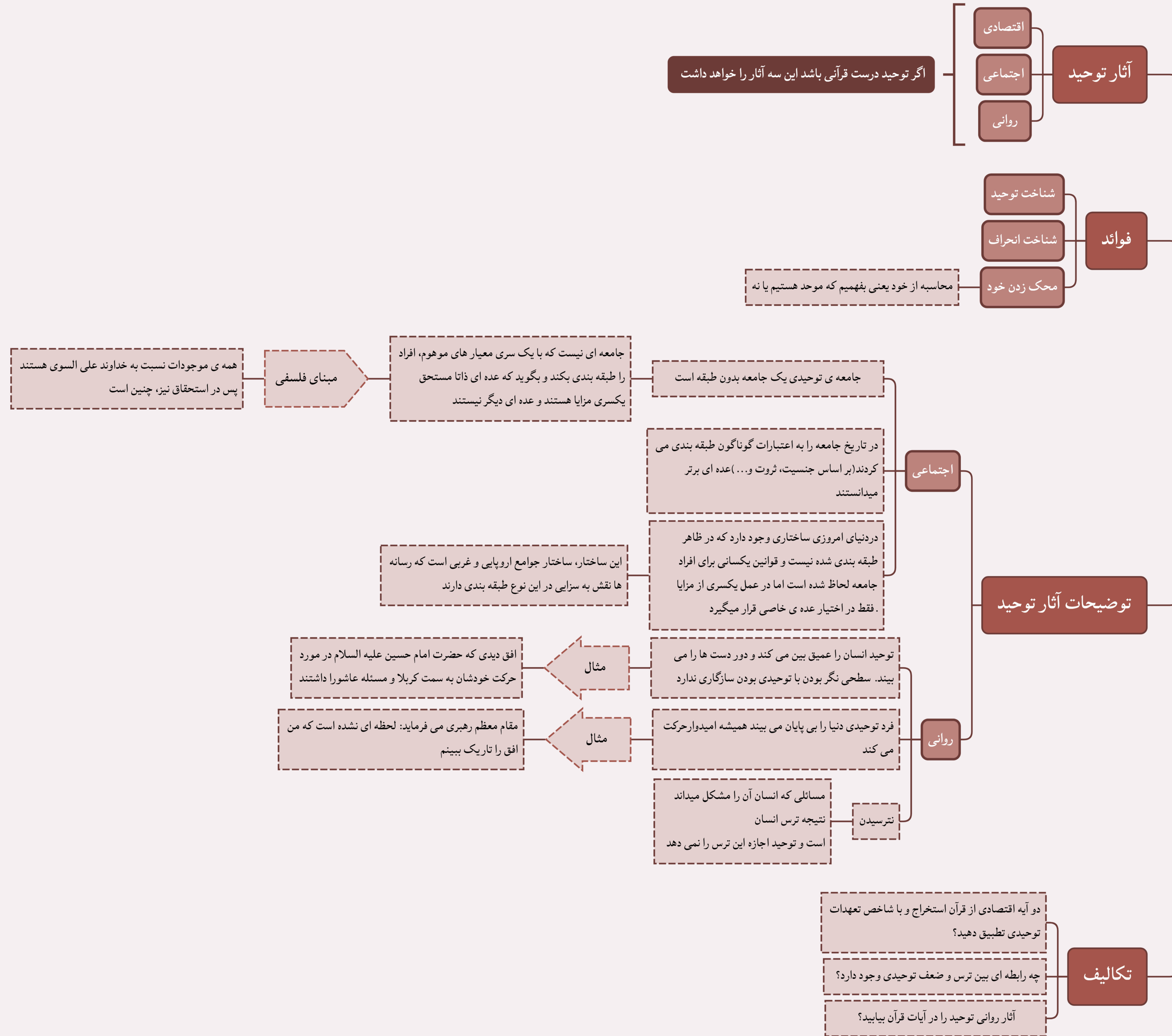
برای داشتن یک خانواده اسلامی و تو حیدی باید یک هندسه و ساختار اسلامی و توحیدی ایجاد شود

این هدف نیازمند حاکمیت توحیدی در
همه حیطه هاست





جلسه ۱۶



جلمه ۱۷

چه نیازی به وجود انبیاء هست؟

غریزه و عقل برای رسیدن انسان
به سعادت و تکامل کافی نیست

درست است که قوه‌ی عقل خیلی مهم و گسترده است اما نیازهای انسان و ابعاد وجودی او برای رسیدن به سعادت پیچیده و گسترده‌تر است
در طول تاریخ می‌توان مشاهده کرد عقلایی که به قصد رشد و تکامل انسان برنامه‌ریزی می‌کردند به موفقیت دست نیافتنند به عنوان نمونه بنابر اعتراف غربی‌ها، تفکر لیبرالیسم، به بن بست خورده و نتوانسته از عهده‌ی رشد و تکامل انسان بر بیاید

در مقابل، جریان استکبار با رواج شهوات به دنبال نابودی عقل مردم است چرا که هوا و هوس مانع رشد عقل است

حرکت انبیا مبتنی بر نور و حکمت است دفائن العقول را برانگیزانند و موانع شکوفا شدن عقل را بر طرف می‌کنند مثلاً دین از نوشیدن شراب منع می‌کند تا عقل او سالم بماند

روش انبیاء برای سعادت انسان

جلسه ۱۸

نبوت

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ
النَّبِيًّا مُّبَشِّرًا وَمُنذِرًا وَأَنْزَلَ
مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحُكِّمَ بَيْنَ النَّاسِ
فِيمَا أَخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا أَخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا
الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ
بَعْيَا يَيْنِهِمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا
أَخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَأْذِنَهُ وَاللَّهُ
يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيمٍ (۲۱۳) بقره

لِيَحُكِّمَ بَيْنَ النَّاسِ

انبيا اين استعداد های مساوی انسان را مدیریت
میکنند و به دنبال ساختن یک حکومت
الهی_اسلامی هستند.

فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ

بعثت: بعثت یک تبلیغ خشک و خالی و بیان احکام
و گرفتن استخاره نیست. بلکه باید یک جریانی
ایجاد شود. یک ریل در جامعه شکل بگیرد برای
رسیدن به هدف خلقت خود. بحث برانگیختگی و
شور است نه رکود و سکوت

تفکر روی اینکه قوانین الهی حق هستند و موافق با
فطرت اند؟ روی احکام الهی تطبیق بکنید

تکلیف

مالکیت خصوصی وجود ندارد بلکه همه دراموال
یکدیگر شریک اند. (اندیشه کمونیستی)

تفسیر اشتباه

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَحِدَةً

مردم در همه ظرفیت های انسانی مشترک هستند

تفسیر صحیح

بشارت و اندار هم برای مسائل دنیوی می باشد و هم برای
اخروی

هم ارایه مطلب و هم ارایه طریق

حق : آنچه که مقابل به فطرت انسان هست چون قانون
خدا حق است و دارای حرکت و رشد هستند

و انزل معهم الكتاب بالحق

یک استفاده غلط: عقل به هیچ عنوان توانایی درک احکام دین را ندارد

معنای صحیح: عقل به تنهایی قادر به کشف احکام نمی باشد
بلکه عقل برای رفع ضعف و نقص های خود به دین نیاز دارد

مردم در ابتدای تشکیل اجتماع گروهی واحد و یک دست بودند و
اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند ، پس از پدید آمدن
اختلاف و تضاد خدا پیامبرانی را مژده دهنده و بیم رسان
برانگیخت، و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد ، تا میان
مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند ، داوری کند . آن گاه در خود
کتاب اختلاف پدید شد و اختلاف را در آن پدید نیاوردنند مگر
کسانی که به آنان کتاب داده شد ، این اختلاف بعد از دلایل و
برهان های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد ، و سبب آن برتری
جویی و حسد در میان خودشان بود . پس خدا کسانی را که ایمان
آورند ، به توفیق خود به حقی که در آن اختلاف کردند ، راهنمایی
کرد . و خدا هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند .

ترجمه

جلسه ۱۹

معنای بعثت

بعثت یعنی برانگیختگی
یعنی حالت سکون در یک چیز با یک فشاری و
جهشی راه بیافتد به سمت حرکت

انبیاء قبل از بعثت گمراه بودند، به این معنا که با توجه به استعداد و صفاتی باطل خودشان ، از مشکلات مردم رنج می برند اما طرحی جامع برای حل آن نداشتند

حضرت موسی آن فرد را که کشت از کشتن آن فرد پشیمان نبود بلکه آن حق بود ولی فقط یک کار کوچکی برای اصلاح انجام داده بود اما برنامه‌ی دیگری نداشتند.

بعد از بعثت بود که این برنامه به ایشان داده شد

گمراه بودن پیامبر صلی الله علیه و آله به این معنا است که راهی برای زندگی نداشت بلکه هدایت غیبی الهی (بعثت) ایشان را هدایت کرد

ترجمه: بخوان به نام پروردگار که (جهان را) آفرید

ترجمه: (موسی) گفت: «من آن کار را انجام

دادم در حالی که از بی خبران بودم

قالَ فَعَلَتْهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ (۲۰) شعراء

بعثت از درون

این بعثت، ظهور آن بعثت درونی است. و قصی از درون متحول شدند و برای هدایت خود و دیگران برانگیخته شدند، این بعثت در بیرون نیز خودش را نشان میدهد.

بعثت در بیرون

بعثت در انبیاء

ترجمه: همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد

أَقْرَبْنَا سِمْرَابَكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) علق

هدایتگری کلان صرفاً با ذکر نمی شود بلکه اولین مرحله فکر کردن است

مرحله اول: تفکر در خلقت

خلقِ الْأَنْسَنَ مِنْ عَلَقٍ (۲) علق

در این مرحله باید انسان روی حقیقت خودش فکر کند. انسان خودش میتواند خودش را قضاؤت کند. انسان خودش، خودش را می تواند مهار کند.

مرحله دوم: تفکر در آفرینش انسان

راه انبیاء برای برانگیختن جوامع

ترجمه: بخوان که پروردگار (از همه) بزرگوارتر است، (۳)- همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود، (۴)

أَقْرَأْنَا رَبُّكَ الْأَكْرَمَ (۳)- الَّذِي عَلَمَ بِالْقَلْمَنِ (۴) علق

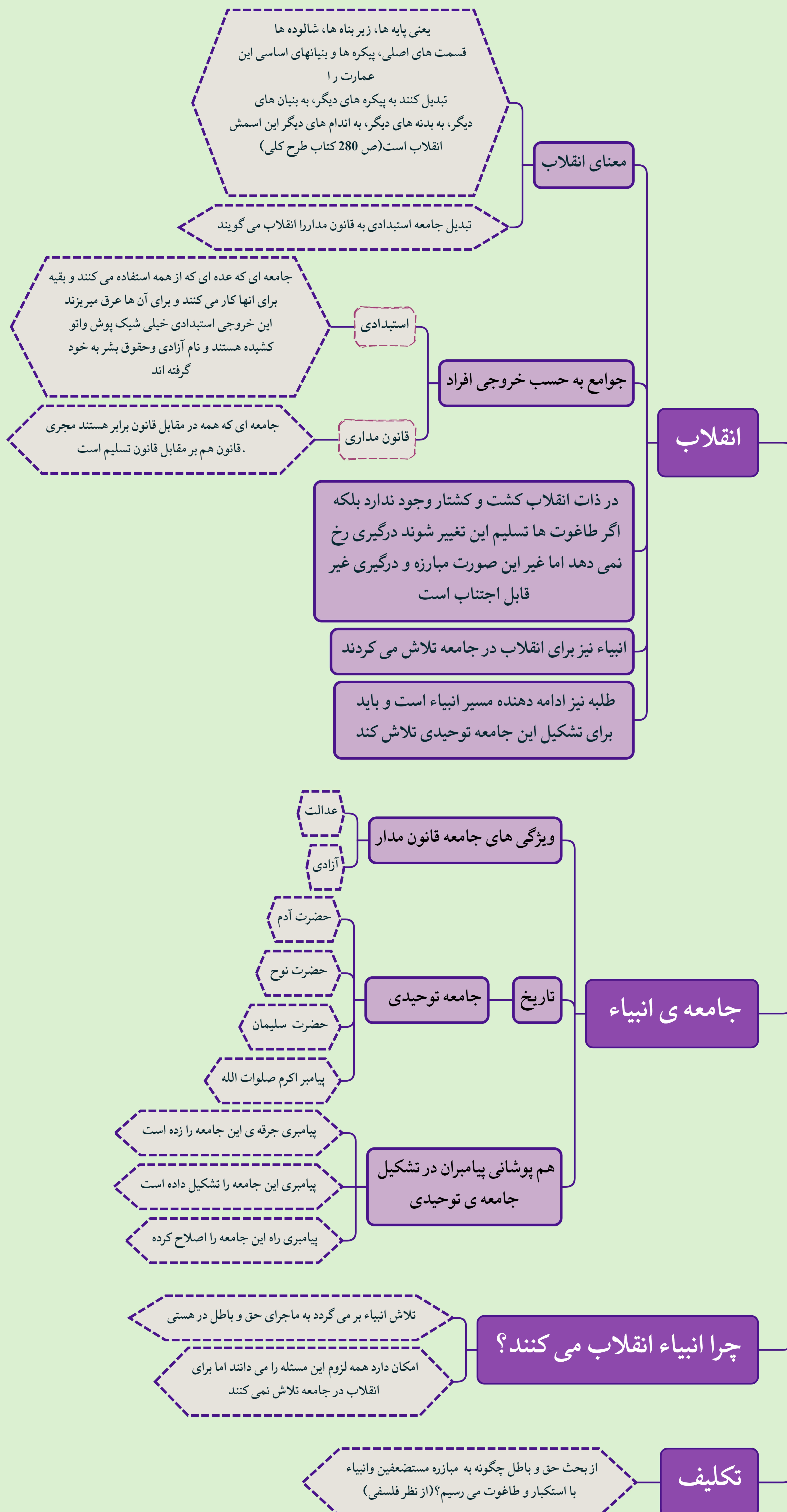
نوشتن، متراکم کردن معلومات در طول تاریخ

مسئله‌ی قلم بسیار اهمیت و عظمت دارد، زیرا اولین آیات قرآن ما را متوجه آن می سازد

مرحله سوم: آموزش

د ه دقیقه در سه موضوع «کلی خلقت، خلقت.
انسان و آموزش و تعلیم» تفکر کنند

تکلیف



حلسه 21

طیعت بعثت درونی، بعثت بیرونی است

یکی از نمونه های آن درگیری اسلام و استکبار است
اسلام حرف خود را بیان میکند، جمهوری اسلامی ح
خودش را میزند و این آمریکاست که نمی تواند تحمل
بکند و دست به درگیری میزند

رساندن انسان به حیات طیبه (ارجاع به کتاب ت
معنوی) و متكامل شدن انسان

انسان معدن استعداد هاست و انبیا آمده اند که این استعداد ها را شکوفا کنند، برای همین روش انبیا با تمامی روش های دیگران متفاوت است، پیامبران درون جامعه کار میکنند نه در گوشه کلاس

هدف غائی و نهایی

ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم):
قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «ایام الله» را به آنان
یاد آور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده
شکرگزار!

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِإِيمَانٍ أَنَّ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلْمِ
إِلَى النُّورِ وَ ذَكَرْهُم بِإِيمَانِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذُلْكَ لَأَيْتٍ لَكُلَّ صَبَّا

انسان معدن استعداد هاست و انبیا آمده اند
استعداد ها را شکوفا کنند، برای همین روش انبیا
روش های دیگران متفاوت است، پیامبران در رو
کار میکنند نه در گوشه کلاس

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمیعتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا پرهیزید که از آنچه انجام دهید با خود اتفاق بگیرد.

أَيُّهَا الَّذِينَ إِيمَانُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا
يَجِرُّنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَىٰ - إِلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ
لِلْتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (٨) مائدةٌ

یک هدف میانی مهم تشکیل حکومت توحیدی: انبیا برای رسیدن به آن هدف غائی به دنبال تشکیل زمینه ای برای ایجاد ساختار انسان سازی بوده اند نه تربیت تک تک افراد حامیه

هدف میانی

اهداف انبیا

هدف میانی

اهداف انبیا

دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند
بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و
حکیم است

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطِعُوْا أَيْدِيهِمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكْلًا
مَنْ أَلَّهِ قُلْلَهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٣٨) مائدة

یات حدود، زیرا لازمه اجرای حدود الهی، حکومتی الهی است؟

نگامی که عیسی از آنان احساس کفر(و مخالفت) کرد
لت: «کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین
ر) گردد؟» حواریان شاگردانِ مخصوصِ او گفتند: «ما
ران خداییم؛ به خدا ایمان آوردهیم؛ و تو(نیز) گواه باش
که ما اسلام آوردهایم

لَكُفَّارَ قَالَ مَنْ هُنَّ أَنْصَارٍ إِلَى اللَّهِ^{صَلَّى}
صَارُ اللَّهِ إِيمَانًا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِإِيمَانِنَا
(۵۲) آل عمران

A large, light blue arrow pointing diagonally upwards and to the right, with a dark blue outline. Below it, a smaller, dark teal L-shaped arrow points downwards and to the right.

هارون زبانش از من فصیحتر است؛ او را همراه
ت تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند؛ می ترسم
مرا تکذیب کنند

نَّيْ لِسَانًا فَأَرْسِلَهُ مَعِيَ رِدَّهَا
أَنْ يُكَذِّبُونَ (٤٣) قصص

حیدی شکل بگیرد باید یک
وانستون های این جامعه
کنند

```
graph LR; A["تربیت خواص"] --> B["بیانی"]
```

شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند

شایسته
کنند؛ چ
طایفه‌ها
اسلام)
آنها دا

رُوا كَافَةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ
الَّذِينَ وَلَيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا
مَيَحْذِرُونَ (١٢٢) توبه

A large, light blue arrow pointing right, with a dark blue outline, positioned on the left side of the page. The arrow is oriented diagonally, pointing from the bottom-left towards the top-right. It is a solid color with a thin dark blue border.

- یف حضرت آقا از حیات طیبه چیست؟
- نرا انبیا و اهل بیت نمی توانند دعوتی داشته باشند که به نزاع منجر نشود؟
- ی هر یک از این اهداف انبیاء یک آیه مثال بزنید؟

ترجمه: فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروههای مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسروانشان را سر برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود! (۴) ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین متن نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (۵)

إِنَّ فَرْعَوْنَ عَلَى الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شَيْعَةً يَسْتَضْعُفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَخْبِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ - وَرَبِّدَ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ أَنَمَّةً وَنَجَعَلَهُمْ (الْوَارِثَيْنَ) (قصص ۴)

پس اولاً برای هماهنگی جامعه با جریان حق، بعثت انبیا یک امر ضروری است

الف. عالم دارای یک نظام توحیدی است. این عالم یک حقیقت واحدی است که در یک مسیر جاری است

ب. انسان یک موجود بسیار پیچیده است و دارای لایه‌های بسیار زیادی است

علت تقابل همیشگی پیامبران با مستکبران

ثانياً ثابت می‌شود که جریان حق قطعاً پیروز است

اگر این دو مطلب در کنار هم قرار گیرند و اختیار انسان لحاظ شود، نتیجه می‌شود که انسان با اختیار خودش می‌تواند هماهنگ با مسیر حق باشد و می‌تواند هماهنگ نباشد، جریان حق یعنی عملکرد انسان در جایی که هماهنگ با جریان هستی باشد و جریان باطل یعنی جایی که ناهمانگ با حرکت جهان هستی، حرکت می‌کند.

اولاً این بیان یک نمونه است

ثانیاً اینها نمادهای باطل و حق هستند

فرعون خودش را بالاتر از مردم می‌بیند

دعوت انبیاء و ادعای عدالت، فرعونیان را به چالش می‌کشاند

در مورد مسئله فرعون و موسی

فرعون و موسی

چراکه مبنای جریان باطل بر جهل است و مبنای جریان حق بر علم و آگاهی، هدایت، نشر حکمت است. اولین حرکت حضرت موسی برای مقابله با فرعون، بیان حقیقت دعوت خویش بود، یعنی هدف "ظهور توحید در عالم" است.

خود اینکه مردم بصیرت داشته باشند نسبت به مسائل و حقایق، این دارای ارزش ذاتی است و اثر دارد بصیرت و فهم یک ارزش ذاتی دارد

کسانی می‌توانند مقاومت کنند که نسبت به هدف نهایی (توحید) معرفت داشته باشند اگر انبیاء مسئله توحید را روز اول مطرح نمی‌کردند، استقامت مردم برای مقاومت در "جریان ظهور حکومت توحیدی" شکل نمی‌گرفت.

نبوت

جلسه ۲۳

ویژگی های جامعه مد نظر انبیاء

مخالفین پیامبر که قوام وجود خودشان را در عدم تشکیل چنین جامعه ای می دانند قطعاً به درگیری را با پیامبر برمی خیزند چون تشکیل چنین جامعه ای یعنی نابودی انها و خواسته های انها

انبیاء به صورت جریانی مردم را به سمت جامعه‌ی طراز سوق می دهند. و تربیت افراد هم داخل این جریان و جامعه است.

جریان اجباری تفکر: یعنی یک جامعه‌ای که مردم چاره‌ای جز اندیشیدن برای انتخاب راه حق ندارند.

احساس وظیفه برای دفاع از مردم: به من چه گفتن فاجعه است. بی تفاوتی نسبت به ضعیفان و محرومین جامعه غلط است جامعه بی دغدغه و جامعه‌ای که درد مند نسبت به غیر نیست آن جامعه توحیدی نیست اصلاً این لازمه رشد است که ضعفا از اغنیا حقشان را بگیرند

تلاش و دوری از تنبیلی

یکپارچگی و عدم تفرقه

عدل و علم

نفی استبداد

آزادی

نفی طرفداری از باطل و حق گرایی

نفی طبقات

.....

کسانی که از اختلاف طبقاتی ارتزاق می‌کنند
(بر جستگان اجتماعی، ملاع)

دسته اول

هر کسی که به هر نحوی دارای ثروتی است

دسته دوم

مسئله ربا در اینجا معنا پیدا می‌کند که چرا اسلام با مخالفت کرده است. ایا صرف تعبد است یا بر می‌گردد به اصول جریان انبیاء. ربا یک بحث فوق العاده مهم سیاسی است. ربا یکی از ارکان مبارزه با جریان انبیاء است. یکی از ابزار مهم ابليس است

حکام مستبد (طاغوت): فرعون و نمرود نمی‌توانند جریان حضرت موسی را تحمل کنند

دسته سوم

مخالفین جامعه‌ی نبوی و توحیدی

ریشه مخالفت هر چهار دسته، حب دنیا است، چون اهل اخرت نیستند و توجهی به مرگ و اخرت و قیامت ندارند با وجود فهمیدن حق بودن حرف انبیاء (که اینها بهتر از مردم عادی حق بودن آن را می فهمیدند) آن را انکار می‌کنند و دیگران را به انکار دعوت می‌کنند

اهبار و رحبان برای زندگی تکیه بر جهل مردم می‌کنند. سخن انبیاء دارای دو ویژگی است که مردم را جذب می‌کند. یک حرف نو بودن و دوم حق بودن و مطابق با فطرت بودن

اهبار و رحبان (علماء و سردمداران مذهبی)

دسته چهارم

آیه یا روایتی مبنی بر روش جریان سازی پیامبر صلی الله علیه و آله پیدا کنید

برای هر دسته از افراد فوق آیه ای در قرآن پیدا کنید

یکی از داستان‌های پیامبران شاخص را مطالعه کنید و این چهار دسته را در آن تطبیق دهید.

تکلیف

این نگاه اشتباه است چون نمی دانند که دشمن قبل از انقلاب جامعه را می خواستند کجا بپرند ولی این انقلاب چه تاثیر در جهان و مردم گذاشته است

هدف این است که مردم سست شوند و در جریان انقلاب اسلامی هم این چنین القاء می کنند

استکبار سعی دارد نشان دهد که کسانی که در مسیر انبیاء حرکت می کنند، همیشه دچار شکست و رنج و عذاب شده اند و باید یک دست غیبی بباید و همه چیز را درست کند

آیا نهضت انبیا به هدف رسید؟ آیا این نوع نهضت داری شمره هست؟

کل حرکت را یک مجموعه باید در نظر بگیریم

کلان نگری به کار انبیا

برای بررسی فرجام کار انبیا باید از دو زاویه نگاه بکنیم

نگاه به مقاطع کار انبیا

این هدف با همراهی مردم به صورت اختیاری و آگاهانه ملازمه دارند نه فرد فرد بلکه مجموع مردم

باید یک روال طبیعی طی بشود و بدون یک حرکت عادی حاصل نمی شود

در زمان غیبت هم باید مردم به این نتیجه برسند که قرآن باید بر آن ها حکم کند و در این هنگام است که ظهور رخ می دهد

هدف ایجاد جامعه ای که در آن حاکم قرآن باشد و مردم به سمت آن حرکت کنند نه اینکه به آن جامعه رسیده اند بلکه مردم در ریل حرکت به سمت آن هستند. مردم در مشروعیت حکومت اسلامی رکن هستند و باید با اختیار خودشان به آن برسند و الا امکان تحقق حکومت اسلامی وجود ندارد

با نگاه کلان، انبیا به هدف خودشان رسیده اند

در بررسی مقاطع تاریخی هم اینطوری نیست که بگوییم انبیا شکست خورده اند. خیر حضرت نوح بعد از اینکه کشتی روی زمین نشست جامعه توحیدی ساخت. حضرت ابراهیم؛ حضرت عیسی و دیگر پیغمبران پیروز بودند ولو اینکه خودشان آن جامعه را ندیدند. این جریان است که ریشه می دوامد، هر چند خودشان هم شهید شوند. البته بودند پیامبرانی که بعضا شکست هم خورده اند مثل زکریا. اما این مقطعی است

هرچند پیامبران از لحاظ هدف نهایی موفق شده اند اما برای اینکه این هدف زود تر محقق بشود باید در نگاه مقاطعی هم سرعت رشد و میزان موفقیت بیشتر باشد و زود تر به هدف

بررسیم

جلسه ۲۵

نگاه بکنیم ببینیم کجاها موفقیت بوده و کجاها شکست بوده است؟

برای اینکه در نگاه مقطعی زود تر حرکت بکنیم

دل های قرص و عزم های راسخ پیروزی ساز است

صبر به معنای تحمل مشکلات در رسیدن به اهداف نه تحمل و سکوت که این عین ذلت است

ایمان با معرفت و تعهد

صبر و استقامت

پیروزی

شک و نفاق

کم طاقتی

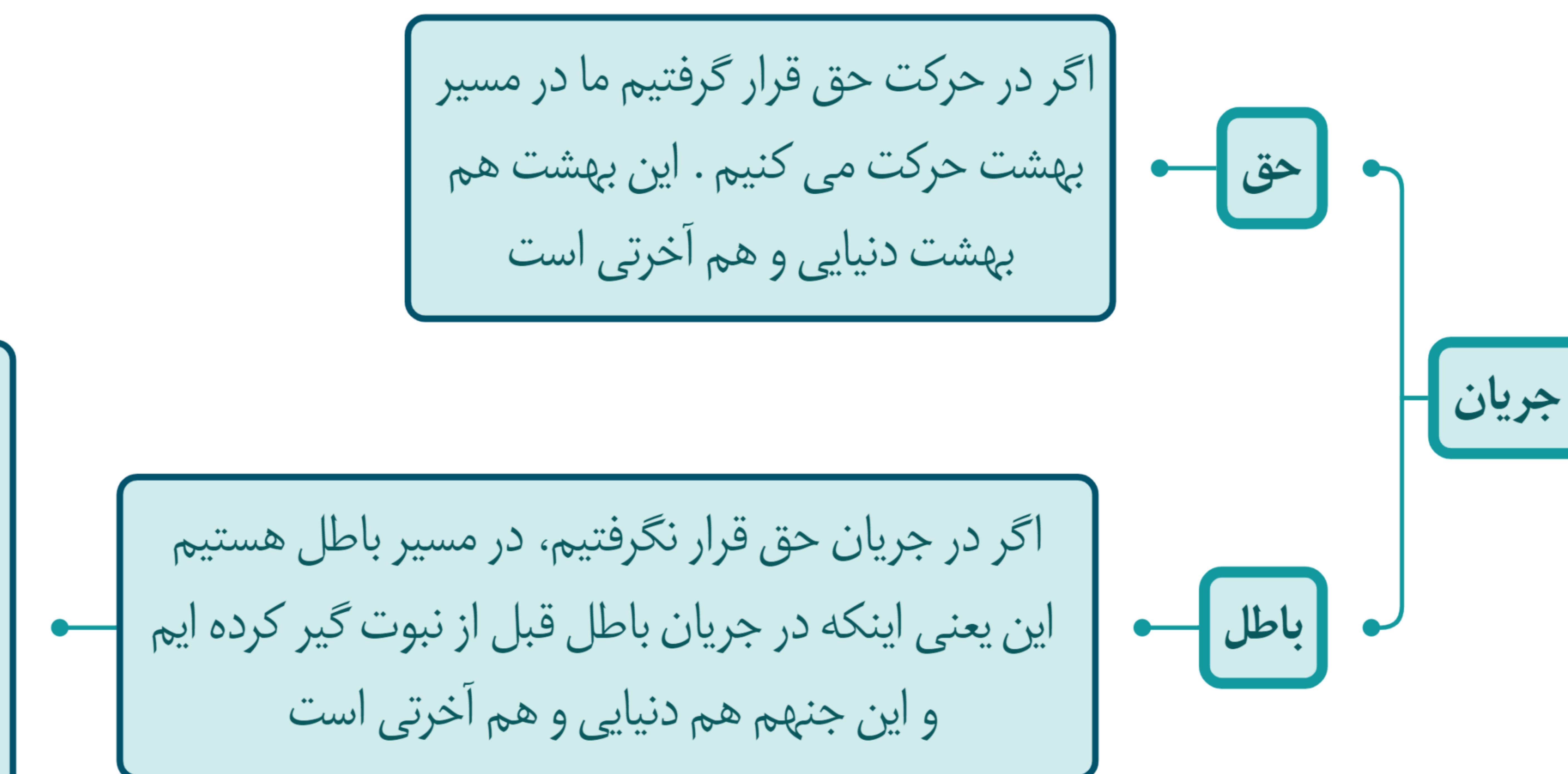
علل شکست و پیروزی در تاریخ

دو آیه در مورد رابطه ایمان و استقامت با پیروزی
یا رابطه ی شک و نفاق با شکست پیدا کنید
اثبات قطعیت پیروزی کار انبیا در کلان نگری با توجه به مبانی جهان بینی؟

تکلیف

جلسه ۲۶

ما جریان دیگری نداریم. حالت سومی وجود ندارد با این نگاه. کسانی که گفتند ما با علی شمشیر نمی زنیم او را قبول نداریم درحالی که شهادتین . هم می گفتند در مسیر باطل بودند و ایمان آنها ایمان واقعی نیست این ها جزء مراتب دشمن هستند. آن هایی که با معاویه هم نیستند و با حضرت علی علیه السلام هم نیستند و فقط ذکر می گویند این ها هم به دشمن لطف می کنند.



جریان های موجود پس از انبیاء

کسانی که صرفا شهادتین را به زبان می آورند در جریان حق به عنوان سیاهه لشکر عمل می کنند و اسماء در ردیف مسلمانان قرار می گیرند و خداوند به برکت این کار ایشان را بهشتی می کند، این یک نگاه اجتماعی به فقه است

جواب علامه

جواب

با اینکه ما معنای واقعی را برای تصدیق قبول داریم، چگونه معنای سطحی را هم قبول می کنیم و می گوییم این افراد هم بهشتی می شوند و جاودان در جهنم نیستند؟

سوال

از دید جریانی نیز، هرچقدر افراد جریان اسلام بیشتر باشد بهتر می توانیم با جریان استکبار مبارزه کنیم و احکام فقهی که بر گویندگان شهادتین بار می شود یک حالت جریانی دارد

متشهد واقعی به نبوت کسی است که باید کاری را که پیامبر اکرم می خواست انجام بدهد را در حد توان ادامه بدهد و در این کار شریک باشد . دنباله روی عملی پیامبر باشد. یعنی هدف واقعی پیامبران را که تشکیل جامعه توحیدی است، دنبال کند تا مردم با شکوفایی استعداد های خود به کمال برسند.

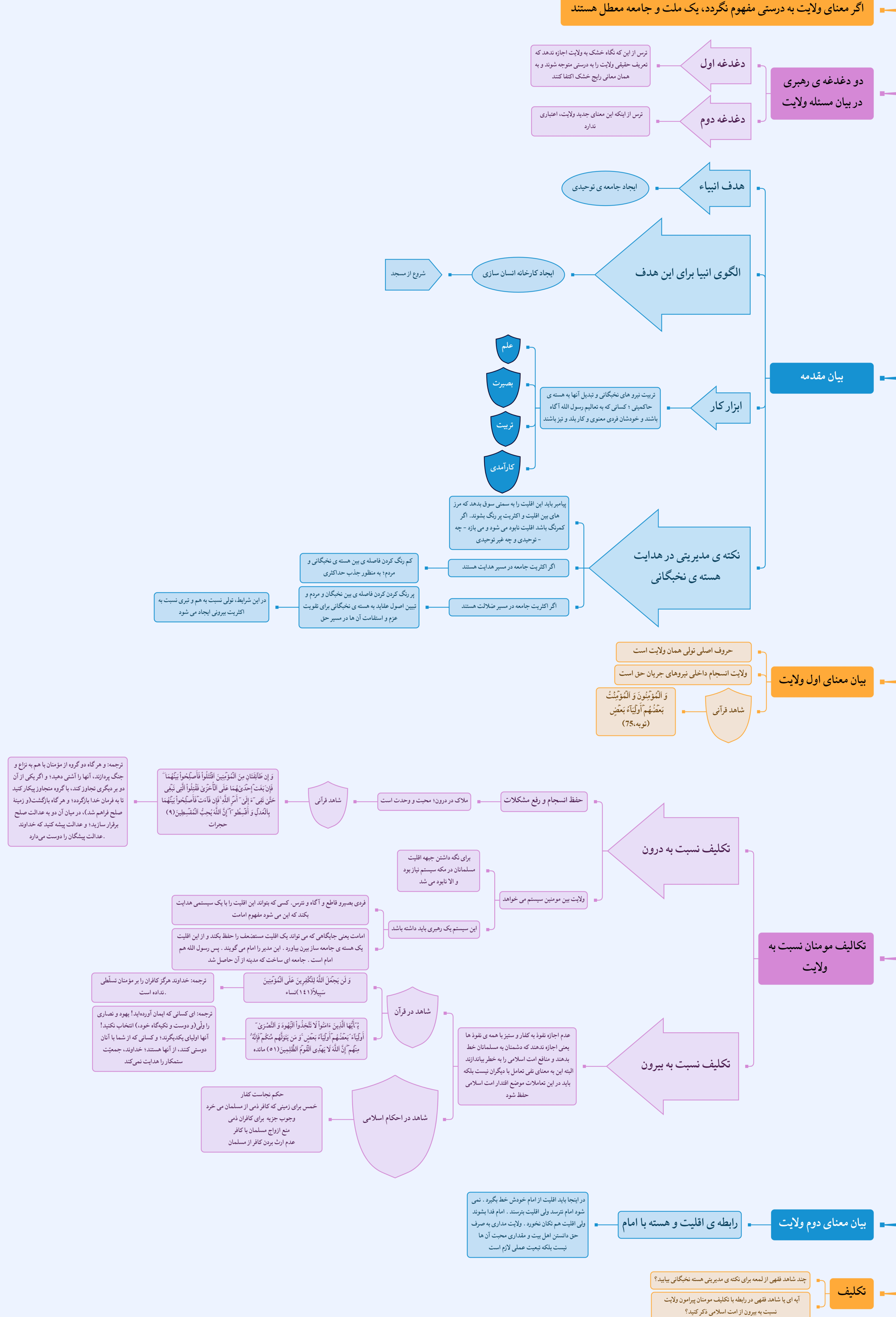
حضرت آقا در مورد تصدیق واقعی، صرف گفتن شهادتین را کافی نمی دانند البته ایشان شهادت لفظی و مطلب علامه را قبول دارند اما به نظر ایشان در بحث ایمان واقعی، صرف گفتن شهادتین کافی نیست و بلکه این شهادتین فقط موجب اسلام می شود

صرف گفتن شهادتین
مرحوم علامه می فرمایند که اگر کسی شهادتین بگوید کافیست به اینکه بهشت برود و در مورد اعمال صالحه پاداش می گیرد و در مورد اعمال ناصالح عقاب می شود

معنای سطحی تصدیق

تصدیق نبوت

جلسه ۲۷ (ولایت)



جله 28



الگوی مدیریت ولی‌الهی برای جامعه

عبارت است از نفوذ در دل‌ها و تسبیح روح‌ها؛ لطافت در اجرای سیاست‌ها به گونه‌ای که مردم عاشقانه از امام تبعیت می‌کنند.

مرحله چهارم از مراحل پنج گانه تمدن اسلامی، ظهور ولایت است.

دولت عادل زمینه را برای تشکیل جامعه‌ی ولایی آماده می‌کند.

البته در این مدیریت اجرای حدود و مجازات برای افرادی که از قوانین تخطی می‌کنند وجود دارد.

خروجی تمامی اصول اعتقادی ما باید با هم دیگر هم افزایی و هماهنگی داشته باشد

ولی حقيقة و ولی مستقل ما فقط خداست و کسی بر کسی دیگر اولویت و برتری ندارد. ممکن الوجود تماماً فقیر است

اقتصای ظهور ولایت‌الهی در زمین این است که افرادی به جایگاه ولایت بررسند. این اقتصای ظهور ولایت خداوند در عالم اعتباریات است

یک مبدا
ولی حقيقة و ولی مستقل ما فقط خداست و کسی بر کسی دیگر اولویت و برتری ندارد. ممکن الوجود تماماً فقیر است
اقتصای ظهور ولایت‌الهی در زمین این است که افرادی به جایگاه ولایت بررسند. این اقتصای ظهور ولایت خداوند در عالم اعتباریات است
تعیین ولی
سیستم‌های دیگر تعیین ولی
زور و مشروعیت
عقل و مشروعیت
مقبولیت

جلسه ۲۹

ترجمه: و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می‌فرستد و بفرمان او آنچه را بخواهد وحی می‌کند؛ چرا که او بلند مقام و حکیم است!

وَمَا كَانَ لِشَرِّ أَنْ يُكَلِّمَ اللَّهُ إِلَّا وَجِئَ أَوْ مِنْ وَرَائِي
جِبَابُ أَوْ بَرِّيْسَلَ رَسُولًا فَيُوحَىٰ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ
إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٌ (۵۱) شوری

رسول به خاطر مجموع کمالات. هر چند به فعلیت رسیدن این ولایت بستگی دارد به قبول کردن مردم. مردم در مشروعیت حاکم اسلامی سهیم هستند.

ولی خداست و بعدش رسول خدا
ثانیاً سیستم حاکمیتی اسلام بر مبنای ارزش‌های اسلامی است

نظر اسلام

یک مرتبه‌ای از بالاترین مراتب ایمان که در افراد خاصی حلول می‌کند

إِنَّمَا وَلِيُّنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ اَفْتَوَاهُ الَّذِينَ
يُقِيمُونَ الْعُلُوَّةَ وَيُؤْثُونَ الْزَكُوَّةَ وَهُمْ رَكُونُونَ (۵۵)
ما ند

تمامی کمالات در صلاة است
ولی‌الهی نماز را در جامعه بر پا می‌کند
همراهی فضای معنوی با مسائل مدیریتی و مردمی
بیتون الزکوٰة و هم راکعون
دو شاخص ایمان

ترجمه: خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد! خداوند، شنوا و بیناست.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤْذِنُوا الْأَمْمَةَ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا
حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعُدْلِ إِنَّ اللَّهَ
يُعَمِّدُ عِظَمَكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بِصَبَرْزاً (۵۸)
نساء

ایمان
شاخص‌ها

معنویت و عدالت

دو شاخص ایمان

مقیمین الصلاة

تمامی کمالات در صلاة است
ولی‌الهی نماز را در جامعه بر پا می‌کند

همراهی فضای معنوی با مسائل مدیریتی و مردمی

بیتون الزکوٰة و هم راکعون

دو شاخص ایمان

مقیمین الصلاة

همراهی فضای معنوی با مسائل مدیریتی و مردمی

بیتون الزکوٰة و هم راکعون

دو شاخص ایمان

همراهی فضای معنوی با مسائل مدیریتی و مردمی

بیتون الزکوٰة و هم راکعون

دو شاخص ایمان

همراهی فضای معنوی با مسائل مدیریتی و مردمی

بیتون الزکوٰة و هم راکعون

دو شاخص ایمان

همراهی فضای معنوی با مسائل مدیریتی و مردمی

بیتون الزکوٰة و هم راکعون

دو شاخص ایمان

ترجمه: کسی که بعد از آشکار شدن حق، پیامر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می‌رود می‌بریم؛ و به دوزخ داخل می‌کنیم؛ و جایگاه بدی دارد.

وَمَنْ يُشَاقِقِ الْأَرْسَلَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ أَلْهَدَهُ وَ
يَتَّبَعُ عَيْرَ سَبِيلَ الْمُؤْمِنِينَ نُولَهُ مَا تَوَلَّ وَنُصِبَهُ
جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۱۱۵) نساء

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می‌کند

انسان خود زمینه را برای تسلط طاغوت و

شیطان آماده می

جلسه ۳۰

